

اعلیحضرت شاه

در مبارزه برای نفت برای خود متحدی بدست میآورد. خاتمه کینه تاریخی هزار ساله - ضربه مصطفی کمال به عراق

غازی مصطفی کمال ترکیه واعلیحضرتشاه ایران این دو نفر دیکتاتور شرق، بزرگ فیما بین خودشان اتحادی منعقد نموده اند. این اتحاد کینه موروثی هزارساله را که فیما بین ترکها و ایرانی ها وجود داشته از میان برده و بهلاره ضربه سختی بمراق وارد آورد زیرا که مملکت عراق فیما بین ممالک این دو نفر دیکتاتور واقع شده است.

یکی از شرایط اتحادیه مزبور این است که ترکیه تهدید مینماید از دعای ایران که مربوط به نفت و برعلیه عراق میباشد تقویت و مساعدت نماید بطوریکه هفته گذشته جریده دابلیو ۱ کسیرس اطلاع داده بود ایران راجع به مالکیت منطقه سرحدی که در آن نفت پیدا شده مدتی است باعراق مشغول کشمکش می باشد.

اعتراض به مجمع اتفاق ملل

منطقه فوق الذکر سابقا متعلق به ایران بوده است ولی قبل از جنگ عمومی درموقتی که عراق جزو خاک عثمانی بوده از ایران مجزی و به عراق داده شده است

ترکیه نیز راجع بدعای ایران نسبت به مالکیت جزایر بحرین واقع در خلیج فارس از ایران تقویت و مساعدت خواهد نمود. هفته گذشته دولت ایران برعلیه اعطای امتیاز نفتی که شیخ بحرین به کمپانی استاندارد اویل کالیفرنیا اعطاء نمود اعتراض نموده است در ماهده اتحادیه که در انکارا در حضور اعلیحضرت شاه و غازی تنظیم شده مواد ذیل نیز گنجانیده شده است:

اتحاد کمر کی که بموجب آن ممکن است اتمه ایرانی از طریق بنادر ترکیه به بحر مدیترانه و نیز اتمه ترکیه از طریق خلیج فارس حمل بشود در قسمت قشون عده نفرت قشون ایران باید به ۶۰۰۰۰ نفر برسد و با قوای هوایی و ژاندارمری و بحریه کلیتا بالغ بر صد هزار نفر خواهد بود صاحب منصبان بحریه ایران باید بعد از این برای فرا گرفتن فنیون بحری به بحریه ترکیه اعزام بشوند و راجع به سفارشات خرید لوازم بحریه نیز باید از وزارت بحریه ترکیه قبلا مشورت بعمل بیاید. قبل از مراجعت به ایران اعلیحضرت شاه با اتفاق غازی مرا از قوای نظامی ترکیه را باز دید خواهند نمود.



اطلاعات: لازم نیست زحمت شرح و بسط مقاله دابلیو ۱ کسیرس را بخورد و خوانندگان محترم داده و هر یک از جملاتش را طرح نموده کذب آن را از ریشه تجسس کنیم بلکه بهتر است مندرجات روزنامه مزبور را یک جا از سر تا پا تکذیب نموده وعاری از حقیقت بدانیم.

همان موقی که در آنکارا بودم حدس می زدم که مسافرت ملوکانه به ترکیه باب جدیدی برای جمل اخبار در بعضی از جراید باز خواهد کرد و موضوعی بنسبت مخبرینی که یای بنده بنشر اخبار صحیح نیستند خواهد داد و با میدانی برای ابراز غرض راننی ها بوسیله جمل اخبار روی فرضیات و حسیات بنسبت خواهد داد. این پیش بینی را همان موقه داشتم ولی هیچ تصور نمی کردم که یک روزی روزنامه بالنسبه معروفی هم مثل دابلیو ۱ کسیرس خود را این قدر بی علاقه به انتشار اخبار صحیح نشان بدهد و بعد هم روی پایه های غلط و شالوده های سست اخبار مجعول خود یکسلسله تمبیرات بوج جای بدهد و بخواننده افکار دیگران راهم عصبانی سازد.

حقیقتا تاسف آآور است روزنامه که باید از راه انتشار اخبار صحیح و قابل اطمینان افکار عمومی را بخود جلب نماید، روزنامه که نظریات سائبو مطمئنی باید بمردم بدهد و این وسیله اعتماد عمومی را بنکارشات غاری از آرایش خود جلب کند این طور بانتشار اخبار غاری از حقیقت مبادرت ورزیده و وزن حقیقی خود را در جامعه و نزد ملل کم میکند حقیقتا چگونه می توان با سایر نکارشات جرایبی که خود را مقید بانتشار اخبار صحیح نمیدانند طمینان کرد؟

وقتی اخبار مربوط بدو مملکت، دو مملکتی که در سیاست بین المللی امروز مورد نظر و توجه ی باشند، دو مملکتی که بر اثر تشدید روابط دوستانه به میان خود انتظار دنیا را بخود جلب کرده اند این لور غلط و بی اساس باشد در سایر مطالب و در موارد یگر چگونه می توان قضاوت کرد و بانتشار آن ها تاجه حد می توان قدر و قیمت گذاشت؟

بالاخره علی رغم اخباری که دابلیو ۱ کسیرس

اطلاعات

افتتاح عمارت جدید پست و سالون گیشه



نادر گشایش تالار پست طهران - ۵ مرداد ۱۳۱۳

دیروز صبح مراسم افتتاح گیشه پست در عمارت جدید پست و کمرک در خیابان سه معمول گردید. البته خوانندگان محترم مسبقا که اداره پست و کمرک از چندی باینطرف در عمارت باغضت جدید انتقال یافته است ولی ساختمان بعضی قسمتهای داخلی آن من جمله سالون بزرگ مخصوص گیشه پست هنوز خاتمه نیافته بود. و مراسم افتتاح رسمی عمارت مزبور معمول نگردیده بود، دیروز عمارت جدید پست و این سالون که با بهترین استیل و قشنگترین طرز ساخته شده و گیشه های مختلف آن در اطراف سالون قرار گرفته است از طرف آقای رئیس الوزراء بنام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح گردید.

عمارت پست و کمرک از بزرگترین و محکم ترین بنا هائی است که در عصر درخشان تجدید عظمت ایران ساخته شده و این بنا از تیر ماه ۱۳۰۷ شروع و درست در تیر ماه ۱۳۱۳ خاتمه یافت یعنی در مدت شش سال شروع و بانجام رسید مخارجی که برای ساختمان این عمارت یا شکوه شده در حدود ۵ میلیون ریال می باشد.

این بنا که در سه طبقه ساخته شده به دو قسمت تقسیم گردیده است یک قسمت آن اختصاص بداره کمرک طهران و کمرک مرکزی داده شده و قسمت دیگر مخصوص اداره پست طهران میباشد و سالون بزرگ گیشه در وسط عمارت قرار گرفته و در بزرگ عمارت بداخل سالون باز میشود، تماشاى تمام قسمت های فوقانی و تحتانی این بنای

اولین کارتی که بکیشه پست تسلیم گردید از طرف حضرت اشرف. آقای رئیس الوزراء بود. آقای رئیس الوزراء با قیچی مخصوص نوار سه رنگی که برنگ بیریق ایران در ظرفین گیشه قرار داده شده بود پاره پاره کرده و کارت خود را تسلیم فرمودند و بعد آقایان وزراء و نمایندگان و سایر مدعوین کارت هائی که از جشن افتتاح گیشه پست حکایت میکرد تسلیم گیشه نمودند.

ساعت ۹ و نیم مراسم افتتاح گیشه خاتمه پذیرفت

اطلاعات سودمند

سرطان و علل آن

مستر بارکر یکنفر انگلیسی است که متخصص در مطالعه مرض سرطان و علل آن می باشد. مشارالیه در این باب مخالف اطباء و جراحان بوده و در بحث و تحقیقات خود متکی با حسیاتیه متوفیات از مرض سرطان بین دول متقدمه و وحشی می باشد. عقیده شایعه بین اطباء این است که مرض مزبور از امراض شیخیخت و بییری است و شیوع و کثرت آن بین متقدمین در سنوات اخیر بواسطه آن است که وسایل صحتی افزایش حاصل کرده و عمر آن زیادتر شده و بییری بیشتر گردیده و باین جهت مرض سرطان زیادتر شده است. اطباء شیوع این مرض را در بین ملل متقدمه و ندرت آن را در بین ملل وحشی چنین تحلیل می کنند که وحشیان پیش از آنکه بمرحله بییری و شیخیخت برسند می میرند و کمتر اضافی می افتد که بمرحله بییری برسند و انحصابت می کنند که در صورت بروز مرض سرطان یا باید عمل جراحی کرد و در صورتی که مدت آن گذشته باشد باید بوسیله رادیوم آن را معالجه نمود

مستر بارکر عقاید اطباء را در این زمینه قبول ندارد و در ضمن مقاله که در این باب نشر داده می گوید در سال ۱۹۱۱ عده متوفیات در انگلستان و ویز ۵۷۸۱۰ نفر بوده که ۳۵۹۰۲ نفر آنها بواسطه مرض سرطان فوت نموده و در سال ۱۹۲۸ عده متوفیات ۶۰۳۸۹ نفر بوده که ۵۶۳۰۳ نفر آنها از سرطان فوت کرده اند بنابر این نعمل جراحی و نه رادیوم هیچکدام مؤثر در کسر عده متوفیات مبتلایان بمرض سرطان نبوده است. بعقیده بارکر سرطان از امراض مخصوص بشیخیخت و بییری نیست، اگر چنین بود لازم می شد که بین کشیشان و زارعین که از سایر طبقات مردم عمرشان طولانی تر است بیشتر شیوع داشته باشد در صورتی که بین آنها شیوع ندارد، در واقم مرض مزبور بین اشخاص معتاد بکلیه ملاحین بیشتر موجود است

مطبعه اقدام

سفارش های شاروا با نهایت سرعت و نظافت و از رانی انجام می دهد - دوره های کلاس قضائی کتب خلیلی ب فروش می رسد طالین کتب مصری نیز می تواند مراجعه کنند سفارش طبیم و کتاب اولیات پذیرفته میشود مطبعه اقدام - لاله زار - کوچه سیم الدو تلفون ۲۱۷۴ - ممره اعلان ۱۱۰۶ - ۶-۵

ایرانیان مقیم استانبول

هنگام ورود به استانبول - عبور از جلوی صف ایرانیان



در محل ورود مو کب ملوکانه به استانبول (سرای) علاوه بر کارد مخصوص احترام و افراد قشون طبقات رجال، مامورین دولت و محترمین شهر با لباس های رسمی در طرفین محوطه سرای ایستاده بودند برای ورود باین محوطه کارت مخصوصی طبیم شده بود و بنابر این ورود اشخاص متفرقه به سرای ممنوع بود. عده زیادی از تیار ایرانی نیز برای استقبال مو کب ملوکانه بهر برای از طرف ژنرال قونسول ایران در استانبول دعوت شده بودند که در محل مخصوص با لباس مشکی و کلاه پهلوی صف بسته بودند. و در دنباله صفوف وجوه طبقات صف محصلان و محصولات و پیشاهنگان شروع میگردد.

اعلیحضرت همایونی و حضرت غازی پس از آن که به ساحل استانبول قدم گذاشتند و مامورین رسمی دولت و چند نفر از صاحب منصبان ارشد حضور ملوکانه معرفی گردیدند از بین صفوف مستقبلین و محصلین عبور فرموده و در انتهای صف محصلین که ازدحام عجیب شهر در دوطرف خیابان شروع می گردید اعلیحضرت همایونی و حضرت غازی سوار اتومبیل شدند - در گر اور فوق عبور مو کب ملوکانه را از جلوی صف ایرانیان نشان میدهند و ذوق و شغف بی حدی که ایرانیها را فرا گرفته و مشغول کف زدن و فریاد هورا میباشند در گر اور فوق محسوس میگردد - شخصی که درست در کنار اعلیحضرت همایونی جلوی صف ایرانیان دیده میشود و از زیارت شاهنشاه خود فوق العاده مسرور است آقای حاج رضا جورابچی از تیار روشن فکر مقیم استانبول میباشد

در عمارت قونسولگری ایران

اعلیحضرت شاهنشاهی در میان ایرانیها



از صبح روز ۷ تیر که خبر تشریف فرمائی ذات شاهانه بعمارت قونسولگری ایران رای ملاقات ایرانی های مقیم اسلامبول اعلام شده بود عمارت قونسولگری ایران که سابقا سفارت ایران بوده و پس از انتقال پایتخت به آنکارا تبدیل به قونسولخانه شده است و از بناهای آتشک و مجمل می باشد جمعیت کثیری از ایرانیها عمارت مزبور را فرا گرفته وهمه با ذوق و شغف مخصوص سالون فوقانی و تحتانی و سرسرای عمارت را احاطه کرده انتظار تشریف فرمائی مو کب ملوکانه را داشتند نزدیک سرسرای عمارت محصلین دبستان ایرانیان و دخترهای خورد سال باییریق های متعدد صف بسته بودند در بظهر مو کب ملوکانه پس از تماشاى موزه استانبول و مسجد ایاصوفیا بعمارت قونسولخانه تشریف فرما گردیدند هنگام ورود موزیک مارش سالار نواخت و صدای هورا و کف زدن در تمام عمارت طنین انداخت و بعضی اینکه اعلیحضرت همایونی از اتومبیل پیاده شده و بداخل عمارت قدم گذاشتند دختر کوچکی از بین محصلان ایرانی پیش آمد و لایحه ای مبنی بر خیر مقدم و مسرت فوق العاده ایرانیها از دیدار شاهنشاه محبوب خود قرائت و بلافاصله شروع بخواندن سرود نمودند اعلیحضرت همایونی بعمارت فوقانی تشریف فرما گردید در سالون بزرگ جمعی کثیری از تیار ایستاده بودند و اعلیحضرت همایونی در بالای سالون بیانات مؤثری ایراد فرمودند که به موقم خود تلگرافا بر سر خوانندگان متقدم رسیده است، اعلیحضرت همایونی پس از آنکه نسبت بموم ایرانیها ابراز تقدیر فرموده و از جلوی آنها عبور فرموده در سالون دیگر قونسولخانه کمی استراحت فرموده و دوباره از میان احساسات شایان ایرانیها عبور فرموده به قصر دامه باغچه مراجعت فرمودند - گر اور فوق هنگام بازگشت مو کب ملوکانه را از عمارت قونسولخانه نشان میدهند - در داخل اتومبیل دست چپ ژنرال فخرالدین پاشا که همیشه در التزام رکاب ملوکانه بودند دیده میشوند.

کتاب اشرف مخلوقات

بقلم محمد مسعود (۴۰ دهاتی) منتشر شد

قسمت کوچکی از این کتاب سابقا در جریده شریفه اطلاعات طبع شده است - ممره اعلان ۱۲۸۵

راه نزدیک

موسسه کمیوت خراسان از نظر سهولت امر و جلب مشتریان محترم نمایندگی فروش را به شعبه تجارتخانه طهرانی در سرای رشتی واگذار نموده و به قیمت مقطوع قوطی سه ریال و پنجاه دینار فروخته می شود - ممره اعلان ۱۱۶۷ - ۱۰-۴

روغن ریخته نذر امامزاده میشود!

وعدۀ ما با خوانندگان در این شماره گفتگو از مضار بی نرسدن به اشتراك منافع عمومی بود ولیکن با موضوع کوچکی - کوچک برحسب ظاهر - نویسنده مواجه گردیدم و خالی از فایده ندانستم - را بین الهالین بطور مختصره ، یا استطراداً عرض رسانده سپس بصحبت سابق خود رجوع کنم

مراسله بتاریخ ۱۷ رذر ۱۳۰۴ از ۰۰ فرض کنید از یکی از ولایات شمالی - پاداره واصل گردیده و عدد بلیط فردوسی یکی بشماره ۱۳۰۰۵۳ و دیگری بشماره ۱۵۴۲۵۰ ضمیمه دارد ، صاحبش دو تومان برای خرید این دو عدد بلیط تقدیم نموده و در این موقع چون برای هوا خوری به ... رفته و متوقف است و در آن محل استفاده روحی می نماید بنوبۀ خوشی برای این که توانسته باشد خدمتی به مران و آبادی آراگاه فیلسوف معظم ایران - فردوسی - نموده باشد جواز اصابه شده بنبرات خود را و لذات پادارۀ اطلاعات کرده که با اختیارات نامه (۱) تقدیم انجمن آثار ملی ایران شود تا بنفع ساختمان آراگاه دانشمند معظم فردوسی تسلیم گردد ... این مفاد و لب مراسله واصله بوده که مطابق مقررات اداری از روی میز آقای مدیر داخلی اداره گذشت کرده و درحالیته آن به آقای مدیر دفتر نوشته شده است که : آقای ... صریحاً بنویسید که بنبرات ضمیمه و جبهی اصابت نموده یا خیر ؟ و مدیر دفتر هم در حاشیۀ آن نوشته است : « نبرات بلیط های ارسالی در کتابچه برندگان جوائز فردوسی نمی باشد ... » این جریان اداری مراسله واصله مذکور بوده که وقتی بدست نویسنده رسید با آنکه سعی کردم معتقد بحسن نیت فرستنده آن باشم و اکنون هم می خواهم خود را ا قناع کنم که این عمل ناشی از یک حسن نیت و اخلاص بتمام فردوسی و تعظیم و تکریم آن وجود بزرگ بوده است با تمام اینها تر نتوانستم ضرب المثل مشهور « روغن ریخته نذر امامزاده میشود ! » را از ذهن خود دور کنم .

این خصالت تقریباً عمومی است که وقتی يك شیئی از حیز اشتقاق خارج گردید و مناسبات و مقتضیات چندین شدت ایجاد نمود که دیگر نتوانیم در زندگی خود از آن شیئی استفاده کنیم ، سخاوت خانم طائی پیدامیکنیم و بنای نل و بخشش را میگذاریم . حسنات اعمال ما غالباً ناشی از وجود همین خصالت است نه اینکه تصور کنید این خصالت تا آن جایی که سود و نفعت هر اندازه هم قابل باشد با افراد مادیون میرسد بدست بلکه می خواهم بگویم اگر يك مرحله علیرض از آن وارد عالم اخلاق می نمودیم بهتر میبود . در قافله موس حیات انسان قاطباً یکصدۀ الفاظ وجود دارد که مفاهیم آن حاکمیت از اخلاق مشترکۀ عالیۀ انسانی مینماید مثلاً نیکی و احسان ، گمان نکند در زندگانی اقوام و ملل متقدمه ، با تنوع مذاهب و ادیان ، مسلک و مشربتی که دارند ، پسندیده نباشد تمام اقوام مقید دنیا احسان و نیکی را خوب دانسته و از صفات عالیۀ انسانی میشمارند ، هر نویسنده ، متفکر ، فیلسوف و حکیم ، ادیب و شاعری هم که از این خصالت گفتگو کرده است ، در نزد همه گفته او وزن و قدر و قیمت واقعی دارد ، و بشمار زبان هاهم ترجمه میشود . از

این دو معلوم میشود که این خصالت در نظر انسان قابل تقدیر و ستایش است و بصرف نظر از تمام خصوصیات نژادی و ملی و مذهبی هر کس واجد آن باشد مورد تکریم و تجلیل خواهد بود . رفت ، عدالت ، عفو و بخشایش . که تقیض قساوت ، ستمگری و ظلم ، انتقام و کینه توزی است ، مفاهیم این الفاظ هم حکایت از اشتراك اخلاق انسانی میبندد حال اگر آدمی هم حسن نیت ، خلوص عقیده را هم ضمیمه حسنات اعمال خود نمودیم یقین بدانید تاثیرش در حیات فردی و عمومی زیاد تر است ، بنا بر این هر فردی از نظر کسب فضایل اخلاقی همیشه باید خلوص و عقیده و نیت را در اعمال خود دخالت دهد . اخلاص و حسن نیت در کار ابداء مانع از جلب منافه او نخواهد بود و لکن نکته دقیق در آن جا است که فقط جلب منافه منظور نظر نباشد بعبارت ساده تر خدا را برای این پرستش نکنید که خدا را به بهشت ببرد و در آن جا خود پهای بهشتی را در آغوش بگیرد و زیر درخت های زمردین پای نهر شیر و عمل بنشیند بلکه خدا را برای این باید پرستید که آفریدگار عالم و وجود بزرگ و لا یزال و هستی بخش کائنات میباشد . يك پله پایین تر تقدیس و تعظیم بمقام انبیاء و اولیاء نباید از این نظر باشد که واسطه بهشت رفتن شماست بلکه از آن نظر باید باشد که شما را در حیات فانی خودتان هدایت و راهنمایی نموده ، از گمراهی نجات داده و در این راهنمایی خواهان سعادت و نیکبختی شما بوده است . يك مرحله پایین تر ، فردوسی را از این نظر که در بخت آزمائی او پنباه یا صد ، یا هزار یا ده هزار یا پنجاه هزار ، یا دویست هزار ریال بشما اصابت کرده است ، نباید بزرگ بشمارید . و چون درس مرگ خود بنام او يك نفسی عاید شما گردیده است بزرگش دانید ، بلکه از آن نظر که بعلیت ، اختراعات و عظمت گذشته ، تاریخ قومیت ، و بالاخره زنده کردن نام شما سی و اندلس عمر گرانهای خود را - از ابدی بهشت جوانی گرفته تا همین آخر عمر - صرف نموده است باید پرستید و دروغ ریخته نذر آراگاه او نکرد !

بین خواب و بیداری

جودج سر از روی کتاب خود برداشته ، چشمه را برگردش انداخته بارت لطف آمیزی گفت : عزیزم اکودین . دخترک لاغر اندام غرق نامالت خود بود ، نور طلایی رنگی چون هاله او را احاطه نموده صدای پدر را نشنید با کفۀ مشغول ساختن اشکال و صورتی از اشخاص و حیوانات بود تا رگیسان نرم و گرمائی رنگش ، چهره لاغر ، قیافه فکور و مبهوت او را فرا گرفته بود

پدر تکرار کرد : دختر عزیزم ! با تو هستم دختر تکی خورد و دست از بازی خود کشید و چشمان آسمانی رنگ خود را که چون استخرهای طبیعی که در پای دامنه کوههای ببرف ایجادی شود ، صاف و شفاف مینمود بلند کرد و تبسم حزن آمیزی بر لبانش نقش بسته و برای يك لمحۀ چهرۀ او از آتش مهر درونی گل انداخته و سرخ شد سپس سر بزر انداخته مجدداً مشغول کار خود شد . کنجشکی بادهی بلند و بزرگ ساخته و میگفت : خدا ! چقدر شبیه مادرم است !

قلبش گرفته ، و بشدت شربان آن افزوده شده ، کوئی يك قوه غیر مرئی و ناپیدائی میخواست این دل درد مند را از این هیکل نحیف بیرون کشد اغتقاقی که ناهاله دوجار آن میگردد سخت او را اذیت میکرد بطوریکه بیننده معتقد میشد که از سینه درد ناله و شکایت دارد

پدر آهسته با خود میگفت : نه ، نه ، بهتر آنستکه دیگر در این باب فکر نکنم . چون منظر طفل او را متالم میکرد ، دست را نزدیک بزرگ اخبار برده ولیکن ترسید ا گر خادۀ منزل بخواید کلودین را از اطاق بیرون ببرد ا شکم دخترش فرو خواهد ریخت این خیال ، دستی را که برای رنگ اخبار دراز شده بود عقب کشیده با خود گفت خدا باین طفلک من رحم کن ، این گناهی ندارد فکر ناکی که همواره او را اذیت می کرد مجدداً بنای آزار او را گذاشته جسم و ذهن او را تحت شکنجه قرار داد . آهسته با خود میگفت : چقدر شبیه بمادرم است ، چه اندازه شباهت با او دارد ! مادرم صورت بزرگتر از او بود ، عکس کوچکی میانه که عکاس چند برابر بزرگش کرده باشد ، کوئی طفلک لاغر اندام و بلند بالا با چهرۀ گرمائی رنگ مانند صورت عروسکها و چشمانی صاف چون آبی نیلگون بود . خیالیزست و والهوش ، و ستایشگر احلام و اوهام خویش میبود ، اما امروز دور شده ، خیال هم از اینخانه دور شده ، يك یاد تند از افق هوا و هوس او وزیدن گرفت و يك عاشق دلپاخته در این گردباد و طوفان هوس و عشق او را چون برك درخت در آغوش امواج گرم خود بهم پیچید و مانند شبروان عیار او را بلرزید ، او را نزدیک و در پشت سر خود پدر و دختری را تنها و بیکن گذاشت .

اینست کلودین صورت کوچک و نمونه مصفر او میباشد که هنوز هیكل ما در خود را در آن زندۀ خود منعكس دیده ، با عروسك خود نام او را مذكّر می شود !

شش ماه از این قضیه گذشته بود ، دنبال کردن آنها چه سدی داشت ؟ آیا بمقامات قضائی مراجعه کند سودی خواهد برد ؟ آیا فایده دارد گنام او را در لجنزار بدنامی غرق سازد ؟ نام او را هم دوست دارد ، اسم او را هم هنوز میپرستد ، با تمام مراتب مذکورۀ هنوز هم دوستش دارد ! آیا اگر طلاش دهد پیش از آنچه که فلان از هم جدا هستند وضعیت دیگری ایجاد میشود ؟ آیا بدنبالشان افتاده ، هر دو را بگیر آورده سر آنها را چون مار بسنك بکوبد ، آن عاشق دلپاخته یا آن دوست صمیمی (!) که دست به ناموس دوست خود دراز نموده - انتهاک آن را در مذهب دوستی (۱) روا داشته ، بقتل رساند ؟ ولیکن از اذیت و آزار آنها چه سودی خواهد برد اگر دلپاخته او را بقتل رساند ، از نعمت اختلاط و آمیزش با او بر خور دار خواهد شد ؟ آیا ریختن خون عاشق او ، آتش غیرتش را فرو خواهد نشاند ؟ !

شرمندگی و حیاء ، عشق دیرینه و وفاداری نسبت بمشوقه ، شفت و نرجم باو بود که وادارش کرده بودند که از همه چیز خود را گذرد ، خشم و غضب ، شرافت و حسن انتقام خود را قربانی - قربانی سعادت و خوشی « کلودین » زن خیانتکار بی وفا ، و دختر بیثنا و بی لث خود ، سازد ! اگر خودش هم قربانی این درد و الم گردد چه اهمیتی خواهد داشت ؟

آری گفتگو ندارد که روزی - روزیکه درد های درونی او اعلی قبال کوه وجودش را مسخر نمود ، و بکمرتهی چون مواد کداخته آتش فشان عظیم بقلب او فرو ریخت - او خواهد مرد دست را مانند مجروحینی که رو بداروی شفا بخشی دراز کنند ، دراز کرده و يك شیشه کوچکی که از « آئیر » پر بود از جمیع کوچکی بیرون آورده ، روی صندلی راحت ، در سایۀ اطاق دراز کشیده با يك لث بی اندازه بنای اشتقاق محتوی شیشه را گذاشت .

این عمل کافی است که اشتیاق و میل شدید

او را فرار از چنگال درد و شکنجه های درونی تبخیر کند ، علاجی برای درد و تسلی دل خود جودید ، راحتی ، و بلکه مسرتی در دل ایجاد سازد « جورج » خواهان يك مسرت منفی یا نسیان مطلق بود - از چند هفته شروع باین کار کرده بود بدون اینکه خطر او را از نظر دور کرده باشد ولیکن درد بقدری مهم بود که دیگر اجازه باو نمی داد که فکر خطری دیگر کند ، او میخواست بعد از این احساس نداشتۀ باشد ، میخواست در عالم وجود نباشد ، و تاثیر خواستش او را بخوبی انجام می داد -

کردن شیشه کوچک را نزدیک به بینی خود برده ، این مرتبه هم مانند دفعات سابقه هنگام اشتقاق این مایع متبخر ، يك فتور ملایم و سنگینی غامضی در سر خود احساس کرد و بلکان چشم بهم افتاد و در همین اثنا در جرت عیبی فرو رفت و اینک خطوطی که حکایت از درد درونی او می کرد روی گونه های لاغرش مرسم گردید ، پوست صورت مانند جسم جاننداری که دستخوش جریان الکتریک واقع گردد بهم بر آمده هاله های چشم بنفش و سپس سیاه شده و در همین حال بکمرتهی چشمهها باز کرد .

صدا کرد : « کلودین ، کلودین » درد و شکنجه و ظایف پدری را بیادش آورد گفت : « دخترک عزیزم ، متوجه باش سرمانخوری ، روی آن صندلی که نزدیک باشی و بخاری است بنشین »

دختر ام پدر را اطاعت نمود - و روی يك صندلی بزرگ جلو بخاری که لهیب آتش از آن شعله ور بود آرام گرفت . جورج در چه وقیافه و اخیراً مانده در حالی که دختر بقایای آتش را که برور خاک گستر می گردید تماشا می نمود - تبسم ناگوار و تلخی در لبان جورج مرسم شده زبردختری را که در هیكل و قیافه مبهوت او مانده بود دست های خود را بستگیر صندلی می پیچید و سر را درو بیخاری دراز می کرد ، در این هیكل نحیف و بهت زده شمع مادر از دست رفته اش را مجسم می نگریست .

چه بسا اوقاتی که مادرش در همین نقطه چون مجسمه بی روح جلوس نموده غرق تاملات طولانی خود می شد - بچه چیز فکر می کرد ؟ آیا در عشق و عاشقی ؟

جورج در دفعات متوالی ولسی بطبی بنای اشتقاق انیرا گذرده ، این مایع بصورت بخار رقیق از لوله های صماغ او وارد عروق و شراپینش گشته آغاز تسخیر افسون آمیز او بود و در سر شت پیدا کرد بر گوشهای اوطنین عجیبی منعكس گردید کوئی همه و غوغای آمیخته بسکون و آرامش در سامه او چون زنگ صدا میکند ، با کوئی صدای مردمی را می شنود که در چپ و راست پیش رو وی سر او در حرکت هستند تصور نمود که در خیابان و در شارع عمومی در حرکت میباشد ، کلودین بازوی او را چسبیده از میان ازدحام مردم عبور می کنند ، ولیکن مردمی که در اطراف آنها هستند همه ساکت و مانند اشباح و سایه های متحرکی میبایند مثل اینکه ادراك می کرد ولی نمیشنید ، برای مرتبه دوم چشم خود را باز کرد ، خود را در اطاق ، بدختر بیثناش ، تنها و بی کس دید .

احساس کرد تابوس سنگینی روی سینه او فشار می آورد میخواست از دست درد و شکنجه های درون فرار کند ، از وحدت و تنهائی خود بگریزد ، هانطور که چشمهایش بی اختیار روی هم افتاده بود شیشه را بدماغ خود نزدیک ساخت .

خیال می کرد که در حوضۀ بزرگ سفاین و گشتها می باشد ، هزارها عکس بکمرتهی بالامیروند و بکمرتهی بقوت روی سندانهای عظیم فرود میاید ، و غروب صدای آن پرده های گوشش را از هم می خواهد چاك زند !

طنین صدا - صدای عجیب و هول انگیزی نزدیک است جعبه و مغز او را خورد و از هم متلاشی سازد ، بادست شربات منظمی بصورت خود میزد ، این حرکت سربتر گردید ، و تصور میکرد که بنجره های اطاق دومرته در نظرش میارزد بار دیگر چشمها را باز کرد همه چیز از نظرش محو گردید و در مرتبه بر گشته غرق تصورات سراب مانند خود شد !

هر دفعه که جرعه از این ماده سحرانگیز را بصورت بخار اشتقاق میکرد مانند بر ، و برك نازکی که دوجار گرد با د - از آن گرد و باد هائی که عبود وار و بیضا بالا میروند - شده باشد از روی صندلی راحت خود بلند شده رو بسقف اطاق بالا میرفت باز هم بالاتر و بکمرتهی در حین صعود بسان يك جسم سنگین سقوط میکرد چنان شدت یافتن میباید که خیال می کرد باعناق زمین فرو خواهد رفت ! هر مرتبه قصد میکرد پرواز خود را عالیتز نماید ، و هر مرتبه سقوط و سرنگونی او شدیدتر می گردید بکمرتهی تصور کرد که در بالن سیرم السیری آرام گرفته رو ببطقات هوا بالاتر میروند از طبقات هوا عبور کرده است ، اینک نزدیک باسان شده ، دامن نیلگون آسان را بادست خود لمس نموده با ستارگان تماس پیدا کرده و نور ماه او را در دریای بیکران و لطافت بلاحد خود غرق ساخته و اشعه سرد آن او را در آغوش خود گرفته است ! خیال شکت انگیزی او را رو ببطقات عالیۀ دائما بالا میبرد طولی نمی کشید که مانند کوی

دیوانه کیست

- ۳ -

یعنی آنچه دلم می خواهد نمی شود ، در مقابل هوسهای من دیوار های بانسی بر آورده اند و نمی گذارند از روی آن عبور کنم بسیار خوب اگر این دیوار ها را از جلوی من برداشتن آن وقت چه میشود ؟ آزاد می شوم ولی باز هم آزادی من ناقص است ، قید و بند یکی و دوتا نیست ، هر جا بروم مردم را می بینم ، می خواهم از آنها فرار کنم ، باید بجائی بروم که هیچکس در آنجا نباشد - این هم يك قید ، بسیار خوب هر جا بروم منزل می خواهم ، اینهم يك قید دیگر : گرسنه میشوم اینهم یکی دیگر ، تشنه میشوم ، یکی دیگر ، خواب می گیرم .

چکم قید و بند های زندگی بدنبال هم می آید ، یکی را رد کنم ، فوراً یکی دیگر بدست و پای من می پیچد و ناکی این قید ها چنان سرعت یشت سرهم میرسد که من در آن میاه فرو می مانم بنا بر این زندگی یعنی مقید بودن ، محدود بودن ، ناقص بودن آزادی و اختیار و کمال و این چیز ها نمیدانم یعنی چه ؟ گمان می کنم می درستی نداشته باشد .

من ازاد هستم ، من خوشبخت هستم درد نیایی بزرگ با عظمت و بنور و با صفا زندگی می کنم بهمجا میروم و مایع اختیار خود را دارم در اینجهان بزرگ فرمانرواهستم ، هر چه بخوام فوراً مهیا می شود ، فانی است که فکری در خاطرم بکند و بلا فاصله صورت عل بخود گیرد اینندای بزرگ « روح » من است که از اینندای محسوس بزرگتر روشتر بصافتر و دلربا تر است زیبا تنها و خوبی ها در ان جمع شده و اگر احیاناً کذات و رذایل سوی آن هجوم میاورد و بخواید سرزمین روح مرا فاسد کند بایک اراده ثابت و لا یغیر بر علیه آن اقدام میکنم در گوشه دارانجانبین می نشینم و چشم بهم میگذارم فکر می کنم و باز هم فکر می کنم روزگار گذشته را بیاد میآورم ایام مسرت و شادمانی را از نظر می گذرانم خوشبختی را و آنچه چیزهایی را که دوست داشتم و اکنون معدوم شده اند . نوبت بنوبت از خاطر خود عبور می دهم و در آن هنگام نمی دانم چه احساس شیرینی مانند موج از اعناق روحم میجوید و آرام مرا محو می کند

بسا می شود که در پناه دیوار جای میگیرم و روح خود را بفیالات شیرین و دلربای تسلیم میکنم مانند مرغی تیز باد در آسمان خیال بالی می کشایم و بدلخواه تیز باد بهمجا میروم در آشیان خوشبختی جای می گیرم اگر احیاناً نقصی داشته باشد بر طبق میل خویش آنرا اصلاح می کنم در این دقایق و ساعات گرانبها من خوشبخت

کوچکی که در دست طفل خورد سالی باشد او را بالا انداخته فرود آمدنش را نماند ! . یکمرتبه سقوط میکرد همینکه فرود میامد دوارس شروع میشد و در بی آن مثل اینکه صاعقه اش زده باشد میخواست بند از بندش جدا شود ، سپس غش می کرد از خود بیخود و بیهوش میشد طولی نمی کشید بهوش میامد ، دیگر از حال رفته و بسان چیزی که در هاون او را کوبیده باشند مفاصل خود را نرم شده می بنداشت دومرته بصورت خود بروی میبکشت در عالم لایتنای ویحد و انتها پرواز خود ادامه می داد ، احساسات و مشاعر زیبا و خوف انگیز ، همه بهم مخلوط و در آمیخته چون برق از نظرش گذشته بالا میرفت و مجدداً فرود میامد ، احساس زمان و مرور وقت را مینمود ، فضا را نسبت بوجود خود يك عالم بزرگ و بیگرنای میدید روح خود را از خود بیگانه مینداشت و کوئی يك زندگانی تازه یافته ، حیاتی غیر از حیات اولیه خود دارا شده ، از جوهر این حیات خود را تقویت میکند ، نسیم آن را اشتقاق مینماید ، میخواست این نسیم را با تمام قوا بلم کند آنقدر بلم کند که برادر روح نماید

ولیکن يك فکر غامض و حس مبهمی در نفس خود موجود می دید ، یا بگرشته باریک ولسی محکم را در آنجا احساس میکرد که نمیتوانست نه آن فکر و نه این رشته را از خود سلب بایکسدا این فکر و پارشته همیشه او را بزندگانی و حیات واقع مذكر میساخت و علی رغم اراده اش او را وادار میکرد که چشم خود را بگشاید و از آن زندگانی و حیات واقع بگردد ! این مرحله که میرسد سراب خیال از نظرش ناپدید میگردد ، تصورات افسون آمیز ناپدیدند و احساس حقایق هول انگیز حیات سخت او را ننگ داده و بیدار میگردد . آری هنوز بقایای سحر و افسونی که تا دقیقه پیش او را بطبقات عالیۀ آسمان پرواز داده بود در فکر او اظهار وجود مینمود ، و او را مانند اشخاص مات و مبهوت که دوجار يك نسیان و فراغوشی غامض و مبهمی شده باشند نشان میداد . در اینجا بفتتا يك مسرت و خشنودی او را فرا گرفته ، زیرا با وجود گشودن چشم خود هنوز بدنبال تصورات سحر آمیز و زیبای خود راه را نکرده بود اطاق و چراغی که در آن میسوخت و دختر کی که در صندلی جلوی بخاری نشسته بود تمام آنها

هستم بیاد گذشته و امید آینده خود را سر گرم میکنم و از فراز و نشیبهای سختی و بدبختی میکنم من خوشبختی را در جمال فکر خود میجویم و ناکی هم این گذشته ابدی را بیاد می کنم ا گر سعادت در جهان باشد همانست که از تفکر و تامل بدست میاید . و اواری آن هیچ نیست اگر جمال فکر من نباشد دنیا قبرستانی است تاریک که یکدم در آن نمی توان زندگی کرد اگر من ، بیبرای خیال خود دنیا را آرایش ندهم و نواقص انرا یرده امید و آرزو نیوشانم حتی بکدقیقه نمیتوانم سختی و مصیبت زندگی را تحمل کنم .

نمیدانم چه وقت بود که دنبال حقیقت میرفتم شب و روز جز این کاری نداشتم آنروز دیوانه تراز امروز بودم بیهوده از هر کسی سواغ می گرفتم و عاقبت گمان میکنم با حقیقت نزدیک شدم ، یعنی کسی را که دهر و حقیقت بود پیدا کردم آنروز فهمیدم که حقیقت چقدر دردناک و ناخ است و از بسکری خود معتجب شدم پس از آن از حقیقت کربختم بکشود خیال پناه بردم ، تا آنروز دیوانه بودم و هیچکس نمیدانست ولی از آنکام بنفهم دیوانگی من کوش مردم را بر کرده چیزی نگذشت که بدادالمجانبین رهسپار شدم .

کنا من این بود که بخيال دلخوش بودم سعادت را از خیال میجویم برای آنکه بختی من دنیا و هر چه از آنست ، با نار و بود خیال بهم بافته شده و برای آنکه سر حیات را بدست آوریم ، بازم باید بدانم خیال دست بزنیم هنوز هم این طور فکر می کنم ولی ...

فکر من میتواند دنیا را زیر و رو کند و همه چیز را طوری که میخواهد تغییر بدهد ، من این قدرت ابدی را بیهوده تلف میکنم و فقط کاهکاهی آنرا در نگاه سعادت خود بکار میبرم ، در آن موقع است که دنیا را روشن و با صفا می بینم و برعکس غالب اوقات که فکر من ، نمیدانم بچه جهت تحت تاثیر عوامل مهم و مرموزی از اختیار من بیرون میرود بدبختی و بینوائی خود را احساس میکنم و بسامیشود که در آن هنگام بیاد مرگ می افتم و آرزو دارم بمانم مرگ را مانند شربتی گوارا لاجرم سر کشم و تا ابد راحت شوم

دورگام در میان این جز و مدروخی می گذرد ، و بدبختی و خوشبختی من مربوط بانست من یارۀ از آتش هستم خود میسوزم و از درد ناله میکنم و در بحبویه درد و ناله آنرا - آن آتش را برای کارهای مفید صرف میکنم و در نتیجه چند دقیقه خوشبختی سر میبرم ، کاید خوشبختی و بدبختی د دست من است ، حال اگر نمیتوانم همیشه خوشبختا باشم کنا از کیست ؟

من اگر خوشبخت نیستم ، حق شکایت ندارم برای آنکه عوامل خوشبختی برای من درجود است نمیتوانم از آن استفاده کنم تشنه ای که در آب افتا و بازم از تشنگی مینالد ، آیا قابل تمسخر نیست ؟ بقیه د

مخلوقات و اشیاء عجیبی در نظرش آمده ، از بقایای خواب و احلام او میبود کوئی يك قوه محرکه صندلی راحت او را بلند کرده رو بفضا بالا میبرد اشیاء در نظرش بزرگ و کوچک میشدند ، با کوئی و بزرگ میشدند ، بالا و پایین میرفتند مثل این همه آنها را از لاسٹيك ساخته باشند . دخترک در نظر زنی بزرگ جلوه نمود . نه ، نه دیگر کلودین کوچا اینجا نیست که با مرغان کاغذی خود بازی کند این کلودین بزرگ است ، رو باقی وفا دار خط آورده کلودین بزرگ بر گشته است ، این همان ماما سنگدل و زوجه خیانتکار است ، آیا حقیقه در گذش مگر در آغوش این و آن نبوده است ؟

نه ، نه اینطور نبود همان کلودین کوچولوا است که دارای چشمان آسمانی رنگ و از اول ام را دوست میداشت ، کلودین هرگز او را ترک نکرده است دلپاش هم اینست که او را صدا میکند کلودین !

کلودین چشمهها را رو باو بر گردانده ، او را نگاه کرد . باز هم صدا کرد : کلودین ! آ ، آ ، آ دوست نمیداری ؟

سر را بعلامت مثبت تکان داد پس بیا مر بیوس نوازش کن آری مرا نوازش کن . مرا بیوسا در همین موقع درب اطاق باز شده خادمه وارد گردید اطلاع داد که شام حاضر است

جورج ساکت ماند تا اینکه کلودین با او نزدیک شد آستین او را گرفته : پدرا پدرا

جورج دوجار لرز و تکان شدیدی شده شب اثر از دستش بکف اطاق افتاده شکست اطاق

يك بخار زرد رنگی فرا گرفته و در يك لمحۀ گردید . کلودین در نظرش کوچک و کوچک گردید . تا بصورت طفلک خورد سالی در آمد از صورت زنی که دقیقه پیش چنان بی نمود بصورت يك طفل لاغر و نحیفی جلوه نمود و با چقه غبار که آثار پیر از آن هویدا بود میگفت : پدر بلند شو برویم شام بخوریم !

قیافه گرفته و المناك طفل و تاملات او نگاه خادمه نشتر بقیایش میزد دستی بصورت خ کشیده و سپس روی قاب مریش خود دست از جای برخاست و روی ساق پای مرتعش و لر خود ایستاد و با زحمت گفت :

« آری ! بابا جان ، آری دختر عزیزم برویم شام بخوریم !

معاملات

نرخ اسعار خارجی و پروات
مظنه فروش پروات در بانک ملی و بانک شاهنشاهی تا تاریخ امروز برقرار ذیل میباشد:

شهر	بانک ملی	بانک شاه
آمشتردام	۱۰۸۰۰	
بنفاد - پک دینار	۷۹۹۰	۷۹۹۰
برلن - صد مارک	۶۲۰۰	۶۲۰۰
بمبئی - صد روپيه	۶۰۰۰	۶۰۰۰
بروکسل - صد بلگا	۳۷۳	۳۷۱٫۵۰
دروین - زنو	۵۲۰۰	۵۱۸۰
لندن - پک لیره	۷۹۶۷۵	۷۹۶۷۵
نیویورک - پک دلار	۱۵۸۵	۱۵۸۵
پاریس - صد فرانک	۱۰۴۵۰	۱۰۴۵۰
رم میلان	۱۳۶۵۰	۱۳۵۷۵

قیمت سهام نفت جنوب ۲ لیره و پک دوم مظنه طلا ۶۱۷۱۱۱ لیره
مظنه نقره هراتس ۲۰ پنس پک شانزدهم قیمت سهام بانک شاهنشاهی ۱۴ لیره و ۱۴ ششم

تغییر نرخ خرید طلا

بانک ملی ایران از این تاریخ تا اطلاع ثانوی طلا و مسکوکات را در مرکز و ولایات از قرار ذیل خریداری می نماید:

۱ مثقال طلا	۷۱۰ ریال
۱ لیره انگلیسی طلا	۱۲۰۰
۱ لیره عثمانی طلا	۱۱۰۰
دمنانی طلا	۱۲۷۰
یست مارکی طلا	۱۱۷۵۰
نایثون طلا (امیرال)	۹۶۰

مظنه طلا در بازار

مظنه های طلای مسکوک و طلای خالص در بازار برقرار ذیل میباشد:

طلای خالص: یک مثقال ۷۰ ریال	
مسکوکات طلا	
طلای جدید ۱۲۵ ریال	۲۰ دلاری ۴۸۰ ریال
لیره انگلیسی ۱۱۲۵	ده مثانی ۱۲۶
لیره عثمانی ۱۱۰۰	۲۰ مارکی ۱۱۸
امیرال ۹۶۰	۲۰ فرانکی ۹۵
طلای ده نویدی ۲۸	اشرفی ۴۱
شش هزاری ۲۱	دو هزاری ۸

بورس لندن
لندن - وضعیت بورس لندن نظر باین که اوضاع اطریش تاجدی روشن تر شده امروز قدری بهتر است و تقریباً در تمام قسمت ها در قیمت ها ترقی حاصل شده است و در بورس نیویورک هم کساد قدری مرتفع گردیده است

ازوم کمک بیحریه تجارتی ژاپون
توکیو - بر طبق پیشنهادی که کمسیون تحقیقات درباره بیحریه تجارتی بوزیر ارتباطات نموده لازم است که دولت برای پنج سال دیگر از اعطاء کمک مالی بیحریه تجارتی خودداری ننماید زیرا که در صورت عدم پرداخت این کمک ممکن است به کربانهای گشتی رانی لطمه غیر قابل جبرانی وارد بیاید

قضایای اطریش در مطبوعات شوروی

اوضاع اروپای مرکزی خطرناک است
مسکو - روزنامه ایژوستیا راجع به قضایای اطریش اظهار می دارد که تشبیهات فاشیستهای اطریش که توجیهشان بطرف آلمان است برای بیرون آوردن زمام امور از دست فرانسویان فاشیستی که توجیهش بطرف ایتالیا است موفقیت نیافت آری دامنه قضایای اطریش بیکجا خواهد گشتید موضوعی است که هیچ کس نمی تواند بیش بینی بکند فاشیزم اطریش فقط زائیده سر نرزه های ایتالیا و چک و سلواکی است چه این دو دولت مایل نیستند که زمام امور اطریش ب دست فاشیستهای بیفتد که بوجهشان بسوی آلمان است

اطریش صحنه مصادمات مسلحانه بیابانی می باشد و این قضایا عاقبت دیگری جز یک واقعه هائیه نخواهد داشت پروا می نویسد اطریش یکی از قانونهای جنگ اروپا می باشد و این قضایا مسامحه است که مبارزه بین فرانسه و ایتالیا و آلمان برای کسب اقتدار و هنوز در اطریش منجر باختلاف شدید خواهد شد ولی اهمیت عمده قضایای اطریش در این است که قضایای مزبور یک بار دیگر ماهیت سوسیالیزم ملی و اصول بیروان آن را در انظار عالم نمایان داد اکنون سربازان ما با خطرناکترین ماجرا جوانی است که دیروز نزدیکترین بیروان خود را تیرباران کردند امروز رئیس یک دولت خارجی را ب دست اعوان مسلکی خود بقتل میرسانند و فرهاد می توانند انبار باروت اروپا را آتش بزنند روزنامه گراستاروودا می نویسد که قضایای اطریش با تصریح نمایان ساخت که اوضاع اروپای مرکزی چه اندازه خطرناک است و قوانینیکه ذرتولیدسریق جنگ علاقمند هستند چهرولی را در آنجا بازی میکنند (مسکو)

محاكمات

قتل باسنگ
حسین خدا دادی زارع ساکن قریه غرم باغلامرضا زارع با حضور چند نفر دیگر نزاع مینماید غلامرضا برای شکایت بهیست امنیه از محل وقوع نزاع خارج و بعداً نیز حسین مزبور با حبیب پسر غلامرضا منازعه و سنگی برای او برتاب می نماید که سنگ سینه او اصابت و در اثر صدمه وارده بقلب فوراً فوت می نماید مامورین پس از تحقیقات جنازه را بقم اعزام پس از معاینه رسمی جواز دفن صادر و قضیه مورد تعقیب واقع می شود مستنطق عدلیه قم پس از خاتمه تحقیقات قرار مجرمیت متهم را صادر و ادعا نامه ذیل از طرف مدعی العموم بدایت قم تنظیم می شود:

محکمه محترمه عالی جنائی طهران
حسین خدا دادی فرزند زید خدا داد ۴۵ یا ۵۰ ساله شغل زارع ساکن قریه صرم قم دارای زن و فرزند مسلمان و تبعه ایران و از تاریخ ۱۳۱۲/۲/۱۲ الی حال موقتاً توقیف در توقیفگاه نظیبه قم می باشد متهم است که در ۱۳۱۲/۲/۲۳ در قریه صرم در اثر نزاع با حبیب الله یوسیه سنگ مشارالیه را مضروب و پس از اندک مدتی فوت نموده است هر چند متهم منکر جرم استعاضی است ولی نظر باظهارات شهودیکه در اظهار عقیده مستنطق اسم برده شده و آنها حاضر و ناظر قضیه بوده اند و نظر باظهارات متهم در دوسیه امنیه و تحقیقات در محضر قاضی تحقیق که حاکی از ارتکاب متهم به ایراد ضرب به حبیب الله متوفی است و نظر بسایر محتویات دوسیه و دلایل مرقومه در قرار جرم مشارالیه

نمایشات

پروگرام سینماهای امشب
آرپان: فیلم ژاک لریگان پسر چارلی آرتیست ۷ ساله
سناس اول ۷ ونیم بعد از ظهر
سناس دوم ۹ ونیم
ایران: فیلم ناطق سارق
سناس اول ۸ بعد از ظهر
سناس دوم ۱۰
پالاس: فیلم ناطق پلیسه فاشیسم (باشیخ)
سناس اول ۸ بعد از ظهر
سناس دوم ۱۰
دیدبان (مایاک): فیلم صداد افرازی دختر لری
سناس اول ۸ بعد از ظهر
سناس دوم ۱۰
داریوش: فیلم عقاب سیاه
سناس اول ۷ ونیم بعد از ظهر
سناس دوم ۹ ونیم
سپه: فیلم ناطق اصلان کودری
سناس اول ۷ ونیم بعد از ظهر
سناس دوم ۹ ونیم

(حسین خدادادی) مسلم و در حدود ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی تقاضای تعیین مجازات درباره مشارالیه میشود

پس از صدور ادعاینامه فوق دوسیه بدیوان عالی جنائی برای رسیدگی ارجاع شده و اینک متهم و شهود از طرف دیوان مزبور احضار و آقای خاگزاد بسمت وکیل مدافع تعیین و قریباً قرار محاکمه مذکور داده خواهند شد

هیئتوز بناری های اطریش پیشنهاد صلح میدهد

که دست از شورش بردارند. جلوگیری آلمانها از عملیات نازی های اطریش

وین - تعیین فون یاین بسمت وزارت مختاری آلمان در وین و احضار هایدلبرگ بر این است که دولت آلمان روی مساعدت آمیزی را نسبت باطریش اتخاذ نموده است و بطوریکه معلوم می شود این تغییر رویه تأثیرات آتی در اطریش داشته و به علاوه در قسمت تعیین جانشین دلفوس نیز باعث تسهیلانی خواهد گردید. یک شماره از جمله رایش پست که متضمن پیشنهاد صلح هیتلر می باشد بوسیله طیارات در میان شورشیان در ایالت کارنسی و ایستری منتشر خواهد شد.

شورشیان مزبور هنوز دست از سر بیچگی

جنگهای سخت بین شورشیان و قوای دولتی اطریش

۳۰۰ نفر بجرم شرکت در قتل دلفوس محاکمه میشوند
وین - در ایالات کارنسی و ایستری بین شورشیان و قوای دولتی در یوز و لهرز جنگهای سختی واقع شده و صد نفر از طرفین کشته شده اند و امارات دولتی را قوای هایدور محافظت می نمایند تا اینکه بدست شورشیان تیغند رویهم رفته ۱۴۴ نفر از نازیها توقیف شده اند ۳۰۰ نفر آنجا بجرم شرکت

در سرحدات اتریش و آلمان
باسو - بطوریکه از یاسو که یکی از نقاط سرحدی اتریش و آلمان میباشد خبر رسیده عدّه از نازیها بقصد فرار با آلمان میخواستند از سرحد عبور نمایند. ساخلوی سرحدی اتریش بانها شلیک نموده

جنگهای داخلی اطریش بر شدت خود افزوده است

علت عدم موفقیت گودای اخیر چه بوده است
وین - جنگ در ایالت کارنسیا بر شدت خود افزوده و بطوریکه اخبار نیم رسمی خبر می دهند بعضی از محلهای مهم این ایالت بتصرف شورشیان درآمده است. شهر ویلاخ فعلاً در تصرف قوای دولتی میباشد. ولی بطوریکه بی گویید شورشیان خیال دارند در هنگام شب به آنجا حمله ور شده و آنرا تصرف نمایند.

بچه های دلفوس مهمان خانم موسولینی هستند
ریچیونی - بچه های دلفوس که همراهان خانم سینور موسولینی میباشند بکلی از وانه قتلیدر شورشیان خیال حمله مجدد به وین دارند احتیاطهای لازمه بعمل آمده است وین - بطوریکه منتشر است کویا شورشیان خیال دارند مجدداً بشهر وین حمله نمایند ولی صحت این خبر کاملاً محرز نشده است ولی در عین حال

رئیس حزب دهاقین اطریش موقتاً بصدارت عظمی تعیین گردیده است
وین - دکتر شوشنیک رئیس حزب دهاقین بطور موقت بسمت صدراعظم تعیین شده است تا اینکه رئیس استار همبر که مراجعت نماید، زیرا که قرار معلوم پرنس مزبور این سمت را عهده دار خواهد

دو فوج قشون از طرف دولت ایتالیاییات تیروول

اعزام گردیده است
برن - مطابق اخبار موهنه از ایتالیایی دو فوج قشون از جنوب ایتالیا بجای قشونی که در ایالت تیروول ایتالیا عهده دار ساخلو بوده و هشتاد درصد آنها آلمانی نژاد می باشند اعزام شده است شورای

بر عده شورشیان افزوده شده است

مبارزه سخت با قوای دولتی

در شورش اخیر متجاوز از ۱۸۰ نفر کشته شده اند
لندن - از وین خبر می دهند که در مرکز ایالت کارنسی در مدت تمام روز نزاع جنگ داخلی مداومت داشته است و بطوری که قبلاً هم پیش بینی شده بود بر قوای شورشیان عده ای نیز افزوده شده است. قشون دولت در کشتکتهای اخیر و در موقعی که میخواستند اند نقطه موسوم بسمت وایترا از دست یاعیان بگیرند اقلاً ۱۴ نفر تلفات داده اند. شورشیان گلوله های «دوم دوم» بطرف قوای دولتی برتاب نموده اند ولی گلوله های

امریه دولت اطریش دایر به ترید قوای دولتی

تشریفات تدفین جازه دلفوس

تشنه تا ساعت پنج بعد از ظهر طول خواهد کشید در کاتدرال وین مراسم مذهبی از طرف اسقف بزرگ اطریش بعمل خواهد آمد. در اطراف کلیسای مزبور قوای نظامی و پلیس مراقب حفظ انتظامات خواهند بود در موزه های وین هزاران عکس از جنازه دلفوس و از خانم و دو طفل مشارالیه فروخته میشود ۱۵۰۰۰ نفر در موقعبور جنازه در خیابان ها و معابر عمومی از صبح دلفوس که با پارچه ابریشمی سفید و سیاه مزین و ملو از دسته های کل میباشد در عمارت بلدی امانت گذاشته شده است.

اگر استقلال اطریش در خطر اقتد ایتالیا قطعاً مداخله خواهد کرد

در ایتالیا از انتصاب فون یاین اظهار عدم رضایت میشود

تشکیل کمیته مخصوص وزارتنی در اطریش

مشارالیه بمنزله نصب بکنش کمیسر عالی در سفارت وین میباشد و یا می توان آن را بمنزله تأسیس یک شعبه ای از مؤسسات دولتی آلمان در وین دانست. از قرار معلوم احضار وزیر مختار آلمان در وین در اثر مداخلاتی بوده که مشارالیه بنظم نازیها نموده و مطابق نظریات دولت متبوعه او نموده است.

وین - از قرار معلوم اخبار راجع باینکه قشون ایتالیا از سرحدات ایتالیا و اطریش تجاوز نموده و داخل خاک ایتالی شده اند تکذیب میشود در اعظم جدید هنوز تعیین نشده ولی هیئت وزراء امر به تشکیل کمیته مخصوص وزارتنی صادر نموده است کمیته مزبور موظف خواهد بود که بر علیه عملیات تروریسم در اطریش اقداماتی بعمل آورد «رویتز»

تعیین فون یاین بسفارت آلمان در وین

انتصاب مزبور هیاهوی زیادی در وین تولید کرده است
آلمان را بمداخله در کار های داخلی اطریش وارد بکند و بدین جهت مطالب است که حتی الامکان موجبات فراهم ساخت که از تیرگی وضعیت عمومی کاسته شود تعیین فون یاین هیاهوی زیادی در وین تولید کرده (مسکو)

انعکاس قضایای اطریش در خارج

آمادگی قشون ایتالی در سرحد

قرار است جلسه فوق العاده شورای جامعه ملل تشکیل شود

لندن - از قراریکه آژانس رویتر از دم اطلاع می دهد بعضی اینکه موسولینی وارد رم شود هیئت وزراء تشکیل و راجع بسکله اقداماتی که ایتالیا باید بمناسبت قضایای اطریش بعمل آورد تصمیمی صادر خواهد کرد رسماً اطلاع می دهند که هیچگونه نقل و انتقال قانونی بعمل نیامده ولی عیبار ایتالیا در سرحد برای مواجهه با هر گونه اتفاقات آماده می باشند در محافل سیاسی آلمان عقیده دارند که ممکن است اقدام دیپلوماسی از طرف دول خارج و قبل از همه از طرف ایتالیا بعمل آید تصور می کنند که دولت ایتالیا به مداخله آلمان در امور داخلی اطریش اعتراض خواهد کرد مخیر «ریش پست» از رم اطلاع می دهد که بین رم و لندن و پاریس قراری داده شده که اقدام مهمی در بران

لندن - از قراریکه آژانس رویتر از دم اطلاع می دهد بعضی اینکه موسولینی وارد رم شود هیئت وزراء تشکیل و راجع بسکله اقداماتی که ایتالیا باید بمناسبت قضایای اطریش بعمل آورد تصمیمی صادر خواهد کرد رسماً اطلاع می دهند که هیچگونه نقل و انتقال قانونی بعمل نیامده ولی عیبار ایتالیا در سرحد برای مواجهه با هر گونه اتفاقات آماده می باشند در محافل سیاسی آلمان عقیده دارند که ممکن است اقدام دیپلوماسی از طرف دول خارج و قبل از همه از طرف ایتالیا بعمل آید تصور می کنند که دولت ایتالیا به مداخله آلمان در امور داخلی اطریش اعتراض خواهد کرد مخیر «ریش پست» از رم اطلاع می دهد که بین رم و لندن و پاریس قراری داده شده که اقدام مهمی در بران

عقاید مطبوعات دنیا و قضایای اطریش

قضایای اخیر اطریش فوق العاده مهم است
مسکو - بر طبق اخبار واصله از رم تمام مطبوعات ایتالیا بدولت آلمان حمله کرده و اظهار میدارند که آلمان کاملاً مسئول قضایای اخیر اطریش است مطبوعات فرانسه خاطر نشان می کنند که ریت وزیر مختار آلمان در وین رول عجیبی بازی کرده و مستقیماً بین متجاسرین و هیئت دولت اطریش واسطه شده بود اکودپاری می نویسد فقط بگونه قهر یعنی ورود عساکر ایتالیا و چک و سلواکی بک جنگ اطریش می تواند هیتلریون را بقب نشینی وادار بکند و زورنال اظهار میدارد که

تعیین وزیر جنگ بلغار بوینه
صوفیه - وزیر جنگ بلغارستان امروز بوینه تعیین شده است ولی حقوق تقاعدی درباره مشارالیه منظور شده و مرتباً باو خواهد رسید. سایر مخالفین دولت فعلی هم در بوینه میباشند (رویتز)

کافہ نادر خیابان پهلوی

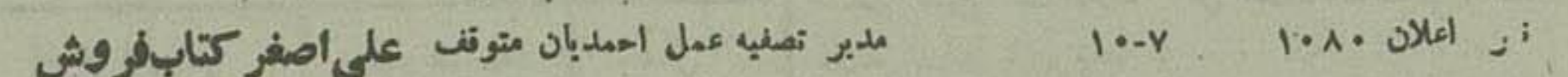
نمبره اعلان ۱۱۵۲

امره اعلان ۱۲۰۲ ۵-۴

مرکزهای الوان اعلا

امره اعلان ۲۱۲ ! ۳-۵

نمبر : اعلان ۷۷۷



در اثر صدماتی که ورود من در اطاق تولید کرد اوس را برگرداند و بعد دو مرتبه مشغول کار شد بدون اینکه چیزی بمن بگوید ، و وقتی که وارغ شد کسوها را بست و با دست اشاره بمن کرده بسم کنان گفت : تمام اینها برای تو است ، من حسابت را کرده ام . این قسمت برای مسافرت ، این برای دربان . این برای کاه باریت . این برای عا گردی که ده فرانک بشو قرض داد ... من این پول را برای برادر کوچکم گذارده بودم ولی او تا شش سال دیگر آنها لازم ندارد و یقینا تا آنوقت همدیگر را خواهیم دید .

میخواستم صحبت کنم ولی مرد مهربان مهلت نداد و گفت : اکنون طفل عزیز من از خدا حافظی کن .. زنک لالام زده شده . تا موقعی که از آنجا بیرون بیایم تو نباید در مدرسه بمانی . اقامت در این محبس برای تو جایز نیست . زود بطرف پاریس برو .

نظر بدستور ماده ۹ قانون ثبت اسناد و املاک مقرر میدارد املاک واقعه در قطعه ۲ ناحیه ۹ حومه بلوک رفسنجان بتفصیل و حدود ذیل ۱ - رستم آباد ۲ - خلیل آباد ۳ - نظم آباد ۴ - ده نو بائر خلیل آبادی ۵ - قم آباد ۶ - علم آباد ۷ - مفر آباد ۸ - سعید آباد ۹ - نرگان آباد ۱۰ - ظهیر آباد ۱۱ - لاهیجان ۱۲ - رکن آباد ۱۳ - محمد آباد ۱۴ - ملک آباد ۱۵ .. فخر آباد ۱۶ - عشرت آباد ۱۷ - شادخ آباد ۱۸ - حسین آباد ۱۹ - قدرت آباد ۲۰ - محمودیه ۲۱ - رئیس آباد ۲۲ - صفی آباد ۲۳ - ده نو آباد ۲۴ - هرمز آباد ۳۵ - یوسف آباد ۲۶ - همت آباد شنالا - ابتداء از قریه رستم آباد در امتداد سامان قریه مزبوره - نامنتهی شود بقریه رکن آباد شرقا - از انتهای حد شمالی در امتداد قریه عشرت آباد تا منتهی شود بمحمودیه جنوبا - از منتهی الیه حد شرقی در امتداد قریه رئیس آباد تا منتهی شود بمزرعه قطب آباد و علی آباد و قریه کمال آباد قطعه ۱ (مزرعتین) قطب آباد و علی آباد و قریه کمال آباد مزبور داخل در قطعه ۱ و خارج از این حد است غربا - از انتهای حد جنوبی در امتداد مزرعه هرمز آباد نامنتهی شود بابتدای حد شمالی (کلیه املاک فوق - الذکر و سایر املاکی که، در حدود فوق واقع است و باغات و قنوات و خانها و آسیاها داخل در حد است) برای ثبت عمومی در نظر گرفته شده و شبهه ثبت اسناد و املاک رفسنجان اعلانی را که در ماده ۱۰ قانون ثبت مقرر است در تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۱۳ منتشر وبلافاصله شروع بتعیین نمره و توزیع اظهار نامه مینماید انتظار دارد آقایان مالکین در اعاده اظهار نامه های خود بقیه مزبوره باتسليم نماینده درمحل مسارعت وجدیت نموده تااملاک آنان مجهول البالک و بالتبعیجه دچار جریمه قانونی نشود

نمره ۱۳۶۶۳
مدیرکل ثبت مملکتی کاظم سمعی
نمره اعلان ۱۳۳۲

تاریخ ۳۱/۳/۱۳۲۳ - مخدّرات صدقه خانم و خدیجه خانم و مریم خانم تقاضا نامه تحت نمرة ۸۰۳ مورخه ۱۸/۳/۱۳۲۳ بمقتضای اسناد مصدق بکفّری استشهد و سواد مصدق ساطری ورقه هویّت خود باین محکمه قدیم داشته اند بشرح اینکه حاجی سید حسین جبارانی که محل اقامت دائمیش طهران ناحیه ۵ سرآب وزیر بوده در تاریخ ۱۱ فروردین ماه فوت نموده وراثت بالانحصار متوفی عبارتند از صدقه خانم (عیال) و دو دختر سماء به مریم خانم و خدیجه خانم - و از محکمه تقاضای تصدیق انحصار وراثت نموده اند - طبق مقررات مراتب سه نوبت متوالی در مجله رسمی وزارت عدلیه و بکی از جرائد محلی اعلان میشود تا هر کس بوراثت و انحصار اشخاص فوق الذکر اعتراضی دارد از تاریخ نشر اولین اعلان در مدت سه ماه باین محکمه تقدیم نماید و الا در انقضای موعد تصدیق مقتضی صادر خواهد شد نمرة اعلان ۱۲۸۴ امین صالح محدود مرکز شعبه (۵) بحکم طباطبائی

پس از مراجعت از ایستگاه دلیجانها از مقابل کافه پاریس
بورگرم ولی بانجا داخل شدم ، آنجا بنظر مخوف می آمد
قطر کجکاوای بدی مراداد است باینکه از پشت شیشه نگاه کنم ...
کافه رازچمیت بود . بازی بیلارد هم را مشغول نموده بود و در
بین دود چیقها برق کلاه و شمشرهای صاحب متضبان دیدم
الطینان هم در آنجا حضور داشتند و فقط معام شمشر بازی نمود

بازیت جهشی کرد کاسانی هم جهشی دیگر نمود ولی
جهش بابت خیلی زیادتر از جهش کاسانی بود زیرا من باو خیلی بیشتر
مقروض بودم : چطور همین امروز !
- بله همین امروز و اکنون هم میخوام بروم در دلجان
جائی بگیرم
تصور کردم که الساعه بجانم میافتند. مسیو بابت گفت:
پس بول چطور می شود ؟
کاسانی هم زوزه کشید : مال من چطور ؟
بدون پاسخ بطاق دربان داخل شدم و موقرانه یولهای
طلای قشنگ زمان کشش را از جیب بیرون آورده و بهریک

او کتابها و دفاترش را بهجمله جمع کرده و گفت : خیلی خوب پذیر شده و چون میخواست بیرون برود باز بطرف من متوجه شد و گفت : من نیز برادری در پاریس دارم يك كشيش نيكوالی كه نو می توانی پیش او رفته و او را ملاقات کنی ... ولی به ! تو قریبادهای وانه ای و زود آدرسش را فراموش خواهی کرد و بدون این كه پیش از این چیزی بگویدی با قدمهای بزرگ مشغول باین رفتن از یله شد . باد زیر جبه بلند او افتاده و آن را بلند می کرد كشيش كلاهش را با دست راسته و با دیت چپ بسته فاغد بزرگ و آتباب كنهن گرفته بود . زړمان كشيش نيك فطرت ! قبل از رفتن يك نظري باطباقي او انداختم برای آخرین مرتبه كتابخانه اش را نگرينيم و بميز كوچك و آتش نیمه خاموش و صندلي كه در آنجا آفتقدر كریسته بودم و نختخوابی كه در آن براحتي خوابیده بودم نظري انداختم در حالی كه در بحران زندگانی سری غوطه در ودم و از مقایسه شجاعت و نیکی و غذا كاری كه در آن دیده بودم با پستی خود آفتقدر خجل و شرمند شدم كه نمی توانم شرح دهم و با خود شرط كردم كه همیشه یادكار زړمان كشيش را در اخر ... و بخوابش جای دهم ... در این حال وقت میگذشت ... مبیابستی اتانیه امزا جمع گنم ، قروض را بیردازم و كهنه در لیجان جانی برای خود بگیرم : در موم خورج چند جیق كهنه و سیاه در كمره بخاری دیدم . كهنه ترین و كونه ترین آنها را برداشته و بمنوان یادكار در جیم

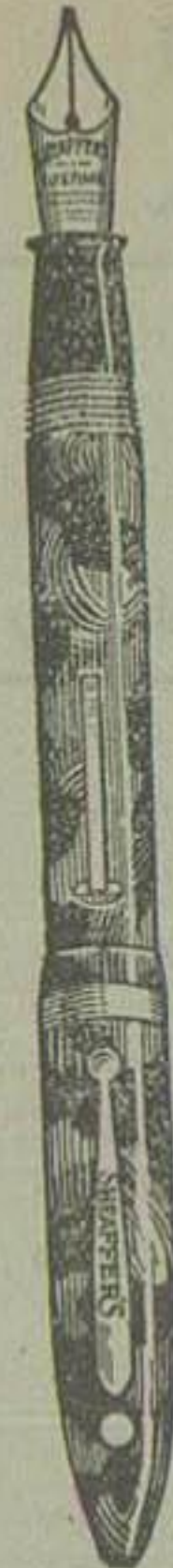
اعلا نات حراج اموال منقول و غیر منقول

املاک ذیل در اجرای اداره ثبت طهران حراج میشود

نمره حساب	نمره مالک	نوع ملک	محل ملک	مالک	به ثبت رسیده یا مالک به ثبت رسیده	اجاره یا اجاره نیست	روز و ساعت حراج	بلوغ شروع حراج
۳۴۳۰۲۵۶۰	۳۴۳۰۲۵۶۰	شش دانگ یک باب خانه	ناحیه ۵ سبز یار امین الملک	غلامیخان مقیم علی آبادی	رسیده	-	۲ ساعت بظهر ۱۱ مرداد ۱۳۳۱	۳۶۰۰
۲۷۰۳۲۵۶۱	۲۷۰۳۲۵۶۱	یک سهم از ۹ سهم یک باب خانه	ناحیه ۷ خیابان پنهان صغیرها	میرزا ابوالقاسم اعزازی	رسیده	اجاره نیست	۴ ساعت بظهر ۱۱ مرداد ۱۳۳۱	۸۰۰
۴۴۹۱۲۵۶۷	۴۴۹۱۲۵۶۷	یک دانگ از ۹ دانگ باغ امامیه	ناحیه ۷ خارج دروازه شیران	میرزا سید محمدعلیخان امامی	جریان	-	۲ ساعت بظهر ۱۸ مرداد ۱۳۳۱	۵۸۷۰۰
۵۶۰۵۱۵۱	۵۶۰۵۱۵۱	۶ دانگ یک باب خانه بیرونی	ناحیه ۹ عودلاجان	وراث احترام الشریعه خانم شریعت صدریه	-	-	۴ ساعت بظهر ۱۸ مرداد ۱۳۳۱	۱۲۸۳۱
۵۶۶۸۲۵۸۲	۵۶۶۸۲۵۸۲	۴ سهم از ۷ سهم بیرونی و اندرونی	ناحیه ۴ کوچه وزیر بقایا	وراث حسن خان هاشم	جریان	-	۴ ساعت بظهر ۲۵ مرداد ۱۳۳۱	۸۰۰۰
۲۲۱۱۸۳۲	۲۲۱۱۸۳۲	یک دانگ و نیم از باغچه و خانه	ناحیه ۷ پشت باغ عین الدوله	سید حسن خان تقوی	نرسیده نمیباشد	-	۲ ساعت بظهر ۲۵ مرداد ۱۳۳۱	۲۲۴
۱۳۰۶۱۸۷۸	۱۳۰۶۱۸۷۸	۵ دانگ از یک باب خانه خرابه	ناحیه ۶ کوچه سیاه ها	میرزا علی اصغر بارانی	رسیده نمیباشد	-	۲ ساعت بظهر ۲۸ مرداد ۱۳۳۱	۳۰۲۴
۱۴۸۴۲۵۹۳	۱۴۸۴۲۵۹۳	یک دانگ و شش دانگ از شش دانگ یک قطعه باغچه و مستطیل ۶۶ دستگاه	ناحیه ۱۱ درازشرب	وراث میرزا علیخان تشکری	جریان	-	۴ ساعت بظهر ۲۸ مرداد ۱۳۳۱	۷۸۰۰
۳۶۶۴۲۵۹۴	۳۶۶۴۲۵۹۴	۳ دانگ نیم از خانه با مستطیل عرصه	ناحیه ۳ خیابان کاخ	عطاءالله خان مهاجر	جریان نمیباشد	-	۴ ساعت بظهر اول شهریور ۱۳۳۱	۳۰۸۰
۳۸۵۲۱۹۹۶	۳۸۵۲۱۹۹۶	۲ دانگ از شش دانگ خانه	ناحیه ۶ کوچه ران الممالک	محمد ابراهیم و غیره	جریان نمیباشد	-	۲ ساعت بظهر اول شهریور ۱۳۳۱	۲۶۶۷
۲۴۴۴۸۴۰	۲۴۴۴۸۴۰	۶ دانگ یک باب خانه	ناحیه ۵ کوچه قلمه وزیر	آقای نایب شریف خان	رسیده	ماه آتیه	۴ ساعت بظهر ۴ شهریور ۱۳۳۱	۱۱۸۸۰
۱۲۱۲۶۰۱	۱۲۱۲۶۰۱	۴ دانگ و سه ربع از عمارت	خیابان گمرک کوچه کردها	جعفرخان روانشاد	جریان	-	۲ ساعت بظهر ۴ شهریور ۱۳۳۱	۷۶۰۰

SHEAFFER'S
PENS-PENCILS-DESK-SETS-SKRIIP

PEN
Shrip
THE SUCCESSOR TO THE



قلم خود نویس شیفر

مر کب شیفر

شهرت قلم خود نویس شیفر فقط برای ظرافت و زیبایی

نیست بلکه دوام آن برای مدت عمر هم می باشد

مر کب شیفر معروف به اسکریب بهترین مر کب برای قلم

خودنویس می باشد

بران خرید به کتابخانه ابن سینا

میدان منبرالدوله طهران مراجعه

فرمائید



نمره اعلان ۱۲۶۵ ۱۰-۱

اعلان نوبت دوم از طرف صلح محدود طهران

۱۳۳۲۴ - غلامرضاخان رازقی تقاضا نامه به نمره ۳۶۱۱ مورخه ۱۷/۳/۱۳۳۲ بمستند دورقه هویت و استشهاد تقدیم محاکم صلح طهران نموده و تصدیق انحصار خود و میرزا ابوالقاسم و میرزا علیخان و محمود خان و کریم خان و صفیری خان و خدیجه خانم و ایران خانم اولاد متوفی را نسبت به مرحوم آقا رضا قلی رازقی مقیم دائمی طهران خیابان عین الدوله خواستار شده - مراتب سه مامتوالی ماهی یک نوبت در مجله رسمی ویکی از جراید محلی اعلان میشود که هرگاه کسی بورات اشخاص مزبور و انحصارش بانان اعتراضی دارد از تاریخ نشر اولین اعلان تاسه ماه بدقت این محکمه کتبا تقدیم بنماید والا در انقضاء موعده تصدیق داده خواهد شد رئیس محاکم صلح طهران

نمره اعلان ۱۲۸۵

محسنات مندرجات کتاب اصلاحات اجتماعی

دو نفر باهم راجع بامور زندگانی خود صحبت میکردند : یکی از زندگانی خود راضی و دیگری از عدم رضایت خود در امور زندگی گفتگو مینمود. در پایان مذاکرات آنها واقعه دلائل هر یک معلوم گردید : اولی در نتیجه مرور و مطالعه کتاب اصلاحات اجتماعی عادات و رفتار خود را اصلاح نموده و دومی چون کتاب اصلاحات اجتماعی را مطالعه ننموده از اصلاح امور زندگانی و ترک عادات ناپسند و قبول عادات خوب محروم بوده است. بارهائمانی رفیق خود بطرف کتابخانه طهران برای ایتباع یک جلد کتاب اصلاحات اجتماعی که جلدی سه ریال بفروش میرسد عازم شد نمره اعلان ۴۳۶

صورت ریز مواد نفتی شرکت

« یوس آذ نفت »

- ۱ - نفت اعلا ترین رقم
- ۲ - بنزین جنس اعلا
- ۳ - سوخت موتور قیظ سیاهی است برای ماشین های نفتی
- ۴ - نفت سیاه معمولی (T) سوخت است جهت ماشینهای دیگر در بخاری
- ۵ - نفت «ت» گاز گویل جهت روغن کاری سیلندر - اتومبیل - تراکتور و موتور سیکل در فصل تابستان
- ۶ - نفت «م» گاز گویل روغنی است جهت سیلندر - موتورهای اتومبیل - تراکتور و موتور سیکل در فصل زمستان
- ۷ - سوئیل «ت» نفت بزرگ روغن زدن اتومبیل تراکتور و سایر قسمتهای ماشین و اجرای آن که باهم اصطلاح میکنند بوسیله روغن دادن (اشافتر) و ترتیب دیگری
- ۸ - روغن ماشین برای روغن زدن باناقان و دستگاه ماشین زمینه رساندن اسام ماشین و ترانسیمیون
- ۹ - روغن سیلندر (۲) برای روغن زدن باناقانهای خامتی سیلندر ماشینهای بخاری و سایر آلات اصطلاحی که با نقل زیاد حرکت میکنند
- ۱۰ - ویسکوزین (۲) برای سیلندر ماشینهای بخاری که با قوه تا (۱۲) آتسفر کار میکنند (همچنین برای جعبه دنده و دیفرنسیال اتومبیل استعمال میشود)
- ۱۱ - ویسکوزین (۵) برای سیلندر ماشین بخاری که با قوه تا (۱۵) آتسفر کار میکنند (همچنین برای جعبه دنده و دیفرنسیال اتومبیل استعمال میشود)
- ۱۲ - ویسکوزین (۷) و (۱۰) برای سیلندر ماشین بخاری با درجه حرارت زیاد با (۳۰۰) درجه که روغن بالنسبه خیلی غلیظی را ایجاد میکند (هم چنین برای جعبه دنده و دیفرنسیال اتومبیل استعمال میشود)
- ۱۳ - واپور «ل» «م» (ت) برای سیلندر ماشین بخار درجه حرارت زیاد تا (۲۵۰) و (۳۱۰) درجه و علاوه بر آن درجه سائیکرید
- ۱۴ - روغن موتور «م» (ت) برای سیلندر ماشینها با سوخت نفت سیاه (دیزل) و ماشینها با سوخت نفت و برای موتورهای گازی و پمپهای

محصولات نفتی ایران

در همه جا

بقیمتهای ارز انتر از پیش

بفروش میرسد

و از حیث خوبی جنس و صرفه جوئی

در مصرف بی نظیر است

شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران

نمره اعلان ۲۸۶ ۱۳-۴-۲۱

مفقود شده - مژده گانی به پیدا کننده

چهارم مرداد ساعت ۱۲ یک قطعه سوزن بقره برلیان در خیابان علاء الدوله مفقود گردیده است از کسانی که سوزن بقره مزبور را یافته اند استدعا میشود در مقابل مزدگانی به آدرس خیابان علاء الدوله خانه مقبل منزل دکتر تامارا لا توری بدهند نمره اعلان ۱۱۸۶ ۲-۱

نمره ۳۳۲۰۱۶۹۴ اعلان حراج نمره حساب تمامی و هیک ۲ دانگ ۱ قطعه باغ مکرور بلاک نمره واقعه در قریه ورجول ناحیه ۳ مراغه محال سراجو ملکی آقای یوسف کوهری ورجولی که به ثبت نداده در روز نهم مرداد ماه ۱۳۳۱ ساعت در شعبه اجرای ثبت مراغه به مزایده گذارده می شود و حراج از مبلغ ششصد و چهل ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار هفتم تیر ماه ۱۳۳۱ رئیس دائره ثبت مراغه - رحمن مکی نمره اعلان ۹۱۸ ۸-۸

اعلان حراج نمره حساب ۲۵۶۶ نمره ۶۶۹۷ ص ۲۵۰ ۱۳۳۱۴۲۴ مقداری اموال منقوله که عبارت از یک تخته قالی خراسانی ۵ ذرع در ۳ ذرع و دو عدد چرخ پایه سنگی و دو عدد آئینه بیضی رو میزی طبق مقررات مواد نظامنامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء از طرف این شعبه بمزایده گذارده می شود طالعین می توانند روز ۶ شهریور ماه ۱۳۳۱ ساعت ۵ بعد از ظهر محل حراج عمومی واقعه در خیابان لالهزار حاضر شده در خریدش کت نمائند تاریخ انتشار ۶ مرداد ۱۳۳۱ رئیس شعبه ۲ اجرای ثبت طهران سید کریم امیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

تصحیح اعلان تصفیه در اعلان مزایده مسیو کنستانتین متوفی مندرجه در شماره ۱۳۳۱۴۲۸ اشتباهات مسیو کبیراس بجای کنستانتین طبع شده بدینوسیله تصحیح میشود

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نمره ۲۸۳۱ اعلان حراج نمره حساب ۱۷ ۱۵ سیر از مدار ۱۴ سهم مزرعه غنات عصمت آباد بلاک نمره - واقعه در بلوک اسحق آباد ناحیه ۱۴ نیشابور ملکی آقای حسینخان هروی که تقاضای ثبت شده در روز دوازدهم شهریور ۱۳۳۱ دو ساعت قبل از ظهر در اداره ثبت نیشابور بمزایده گذارده میشود و حراج از میان ۶۵۸۳ ریال شروع خواهد شد تاریخ انتشار دوم مرداد ماه ۱۳۳۱ نمره اعلان ۱۲۸۳ ۸-۲ رئیس ثبت نیشابور - کبیری

نوع تاریخ	روز و ماه	سال
شمسی یارسی	۶ مرداد	۱۳۳۱
قمری هجری	۱۵ ربیع الثانی	۱۳۵۳
مسیحی میلادی	۲۸ ژوئیه	۱۹۳۴
عبری صهیونیت	۱۶ آب	۵۶۹۴

طلوع آفتاب ۶ ساعت ۵۹ دقیقه بعد از نصف شب
غروب آفتاب ۷ دقیقه بعد از ظهر

دو واخانه طاطا و سیان چهارراه عزیزخان
هر شب تا صبح باز است

اطلاعات
روز نامه روزانه عصر
جای اداره : چهارراه وزارت جنگ عمارت انتهای
نمره تلفن اداره ۴۴۴
اطلاق مدیر ۳۸۸
عنوان تاکرانی : طهران اطلاعات

قیمت اشتراک
داخله ۱۰۰ ریال ۵۰ ریال
خارج ۱۵۰ ۸۰

پست هائی که فردا حرکت میکنند
شیران . ورامین . کیلان . اسفهان و فارس
یزد و کرمان

مطبوعه اطلاعات